



دیدگاه شیعه در باره رؤیت خدا همراه با بررسی دیدگاه اهل سنت چیست؟

بسیاری از اندیشوران اهل سنت بر این باورند که خداوند اگر در این جهان دیده نشود ...

بسیاری از اندیشوران اهل سنت بر این باورند که خداوند اگر در این جهان دیده نشود در عالم قیامت دیده خواهد شد! برخی از آنان در این رابطه گفته اند: هذا مذاهب اهل السنة و العلم بالحديث؛ این عقیده اهل سنت و دانشمندان حدیث است."

بعضی هم پیرامون رؤیت خداوند توسط حضرت موسی و بنی اسرائیل گفته اند: نه این که رؤیت خداوند ممکن نباشد، بلکه حضرت موسی توان دیدن خداوند را نداشت.

قائلین به دیدن خداوند برای اثبات ادعایشان به ظاهر بعضی از آیات قرآن و احادیث وارده استدلال نمودند؛ از جمله این روایت؛ پیامبر (ص) گفت: خدا را می بینید همچنان که ماه را در شب چهاردهم می بینید. کسی که در شب چهاردهم ماه را ببیند یقین می داند که آن ماه است. همچنان که مؤمنان نیز خدای عز و جل را در آن جهان می بینند یقین می دانند که آن خدای عز و جل است که می بینند.

به عقیده ما دنیا و آخرت (با توجه به معاد جسمانی) هیچ تفاوتی در این مسئله نخواهد داشت، آیا خداوند که وجودی فوق ماده است در قیامت تبدیل به یک وجود مادی می شود و نامحدود به محدود تبدیل خواهد شد؟ شیعه معتقد است مراد از نظر کردن به خدای تعالی نظر کردن حسی که با چشم سر انجام می شود نیست، بلکه مراد نظر قلبی و دیدن قلب به وسیله حقیقت ایمان است. پاسخ تفصیلی

بسیاری از اندیشوران اهل سنت بر این باورند که خداوند اگر در این جهان دیده نشود در عالم قیامت دیده خواهد شد! برخی از آنان در این رابطه گفته اند: هذا مذاهب اهل السنة و العلم بالحديث؛ این عقیده اهل سنت و دانشمندان حدیث است". [1] بعضی هم پیرامون رؤیت خداوند توسط حضرت موسی و بنی اسرائیل گفته اند: نه این که رؤیت خداوند ممکن نباشد، بلکه حضرت موسی توان دیدن خداوند را نداشت. [2]

پیشینه بحث

گفت و گوها و مشاجرات دانشمندان اشاعره و معتزله در باره درخواست رؤیت توسط موسی (ع)، روزگاری علمای اسلامی را به خود مشغول کرده و از صدر اسلام تا زمان حضرت رضا (ع) مورد نزاع شدیدی واقع شده است، به ویژه در زمان امام باقر و امام صادق (ع) که نزاع و مشاجره در آن به اوج خود رسیده بود. معتزله آن را به طور مطلق انکار می کردند، اما اشاعره آن را نسبت به آخرت اثبات و نسبت به دنیا انکار می نمودند. [3] طایفه دیگری هم بودند که می گفتند خداوند هم در آخرت دیده می شود و هم در دنیا. [4] عجیب است که هر سه فرقه به همین آیه (سوره اعراف آیه 147) استدلال می کردند. این مشاجره تا هنگام از بین رفتن فرقه معتزله به دست آل ایوب ادامه داشت.

ادله قائلین به رؤیت خدا

این گروه برای اثبات ادعایشان به ظاهر بعضی از آیات قرآن و احادیث وارده استدلال نمودند که به برخی از آنها اشاره می کنیم.

یکی از مفسران اهل سنت در این باره می گوید: موسی (ع) برای این نتوانست خدا را ببیند؛ چون خداوند تبارک و تعالی وعده دیدار خویش را به مؤمنان در سرای آخرت داده است، نه در سرای دنیا. و موسی آنچه را درخواست کرده بود، پیش از وقت خواست، از آن جهت به آن نرسید، و گرنه دیدار خدای عز و جل مؤمنان را واجب است، منتها در جهان آخرت. چنان که پیامبر (ص) گفت: خدا را می بینید همچنان که ماه را در شب چهاردهم می بینید. کسی که در شب چهاردهم ماه را ببیند یقین می داند که آن ماه است. همان گونه که مؤمنان نیز خدای عز و جل را در آن جهان می بینند، یقین می دانند که آن خدای عز و جل است که مشاهده می کنند. پس چون موسی در دنیا دیدار خدا را خواست و هنوز محمد (ص) در صلب پدران بود، از این جهت از دیدار محروم ماند، گفت نه، من

و عده کرده‌ام که تا بنده من محمد (ص) مرا نبیند هیچ کس دیگر مرا دیدار نکند، و وعده دیدار من در بهشت می باشد: [5] "وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاصِرَةٌ إِلَى رَبِّهَا نَاطِرَةٌ"؛ در آن روز صورت هایی شاداب و مسرور است، و به پروردگارش می‌نگرد". [6] یعنی با چشمت خدا را می بینی همچنان که بخاری در صحیحش روایت نمود: "به زودی خدا را با چشمانتان می بینید". [7] دیدن خداوند توسط مؤمنان در آخرت چیزی است که در احادیث صحاح از راه های متواتر از راویان احادیث به ما رسیده که به هیچ وجه دفع و منعش ممکن نیست؛ چون ابو سعید و ابو هریره در روایتشان که صحیح است، نقل می کنند: گفته شد یا رسول الله آیا ما در روز قیامت خدا را می بینیم؟ حضرت فرمود: آیا در دیدن خورشید و ماه که در پشت ابر نباشند ضرر می بینید؟ گفتند: خیر. حضرت فرمود: شما هم این چنین خدا را می بینید. [8]

در صحیحین از جریر نقل شده است که پیامبر اسلام (ص) به ماه شب چهارده نگاه کرد و فرمود: همان طور که شما این ماه را می بینید پروردگارتان را می بینید [9]! خداوند برای مؤمنان در حالی که می خندد تجلی می کند. [10]

البته این گروه، از آیه "لَنْ تَرَانِي" [11]، غافل نبودند، بلکه گفتند: لن ترانی معنایش این نیست که این رؤیت تا ابد ممکن نیست، بلکه معنایش این است ای موسی کسی مرا نمی بیند که زنده بماند، موسی عرض کرد خدایا تو را ببینم و بمیرم بهتر است تا زنده باشم و تو را نبینم. [12]

توضیح آیه

قبل از پرداختن به توضیح آیه، نخست توجه به این نکته لازم به نظر می رسد.

کلمه "إلى" به دو صورت حرف و اسم به معنای "به سوی" [13] و "نعمت" [14] وارد شده است. در آیه شریفه و احادیث وارده برای رؤیت از کلمه "إلى" استفاده نموده است. به همین جهت عده ای از اهل سنت این را تأویل نموده و "إلى" در آیه و روایت را اسم و مفرد آلاء [15] به معنای نعمت گرفتند همچنان که ثوری از منصور از مجاهد نقل کرده است که او گفت: "إلى رَبِّهَا نَاطِرَةٌ" [16]؛ یعنی: منتظر ثواب پروردگارش است. [17] این قول در بعضی از منابع شیعی نیز وارد شده است.

در کتاب عیون اخبار رضا (ع) در باب "آنچه از اخبار توحید از حضرت رضا رسیده" به سندی که به ابراهیم بن ابی محمود می رسد، روایت کرده که گفت: علی بن موسی الرضا (ع) در معنای آیه "وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاصِرَةٌ إِلَى رَبِّهَا نَاطِرَةٌ" [18] فرمود: یعنی چهره‌هایی که در آن روز نورانی است، و منتظر ثواب پروردگارش است. [19]

نقد دیدگاه رؤیت خدا

به عقیده ما بطلان این دیدگاه روشن است؛ زیرا دنیا و آخرت (با توجه به معاد جسمانی) هیچ تفاوتی در این مسئله نخواهد داشت، آیا خداوند که وجودی فوق ماده است در قیامت تبدیل به یک وجود مادی می‌شود و از آن مقام نامحدودی به محدودی خواهد گرائید؟ بنابر این مراد از نظر کردن به خدای تعالی نظر کردن حسی که با چشم سر انجام می‌شود نیست، بلکه مراد نظر قلبی و دیدن قلب به وسیله حقیقت ایمان است، همان گونه که براهین عقلی هم همین را می‌گویند، و اخبار رسیده از اهل بیت عصمت (ع) هم بر همین معنا دلالت دارد [20]

به تعبیر دیگر، دلائل عقلی گواهی می‌دهد که خداوند هرگز با چشم دیده نخواهد شد؛ زیرا چشم تنها اجسام یا به تعبیر صحیح تر بعضی از کیفیات آنها را می‌بیند و چیزی که جسم نیست و کیفیت جسم را ندارد، هرگز با چشم مشاهده نخواهد شد، به عبارتی دیگر، اگر چیزی با چشم دیده شود، حتماً باید دارای مکان و جهت و ماده باشد، در حالی که او برتر از همه اینها است، او وجودی است نامحدود و به همین دلیل بالاتر از جهان ماده است؛ زیرا در جهان ماده همه چیز محدود است.

در بسیاری از آیات قرآن از جمله آیاتی که در مورد بنی اسرائیل و تقاضای رؤیت خداوند سخن می‌گویند، با صراحت کامل، نفی امکان رؤیت از خداوند شده است. [21]

این آیه از آیاتی است که به خوبی بیانگر این است که به هیچ وجه، خدا را نمی‌توان دید؛ زیرا کلمه "لَنْ" طبق نظر مشهور ادباء، برای نفی ابد است، بنابر این جمله "لَنْ تَرَانِي" مفهومش چنین می‌شود که نه در این جهان و نه در جهان دیگر مرا نخواهی دید. اگر فرضاً کسی در این موضوع تردید کند که "لَنْ" برای نفی ابد است، باز اطلاق آیه و این که نفی رؤیت بدون هیچ قید و شرطی ذکر شده، دلیل بر این است که در هیچ زمان و در هیچ شرائطی خداوند، قابل رؤیت نیست. [22]

- [1] رشید رضا، محمد ، تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)، ج 7، ص 653، دار المعرفة، بیروت، لبنان، چاپ دوم.
- [2] سید بن قطب بن ابراهیم شاذلی ، فی ظلال القرآن، ج 3، ص 1369، دارالشروق، چاپ بیروت، قاهره، سال 1412 هـ ق، چاپ هفدهم.
- [3] قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، ج 7، ص 54 و 279 و ج 19، ص 8-107، انتشارات ناصر خسرو، تهران، سال 1364 هـ ش ، چاپ اول؛ رازی، ابوعبدالله فخرالدین محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، (تفسیر کبیر)، ج 13، ص 5-124، دار احیاء التراث العربی، چاپ بیروت، سال 1420 ق، چاپ سوم.
- [4] فخر الدین بن محمد ابو عبد الله رازی، تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)، ج 13، ص 127.
- [5] طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، مترجمان، تحقیق: حبیب یغمایی ج 2، ص 536 و 537، انتشارات توس، تهران، 1356 هـ ش، چاپ دوم.
- [6] قیامت، 22 و 23.
- [7] بخاری، ابو عبدالله، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، ج 22، ص 445، صحیح بخاری، سایت الإسلام، <http://www.al-islam.com> (المکتبة الشاملة).
- [8] دروزه، محمد عزت، التفسیر الحديث، ج 2، ص 199، دار احیاء الکتب العربیة، قاهره، سال 1383 ق؛ مراغی احمد بن مصطفی، تفسیر المراغی، ج 29، ص 153، داراحیاء التراث العربی، بیروت؛ طنطاوی، سید محمد، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، ج 15، ص 205؛ ابن کثیر دمشقی اسماعیل بن عمرو، تفسیر القرآن العظیم، ج 8، ص 287، دار الکتب العلمیة، منشورات محمدعلی بیضون، بیروت، چاپ اول، 1419 ق.
- [9] التفسیر المنیر فی العقیة و الشریعة، ج 29، ص 267؛ زحیلی، تفسیر الوسیط، ج 3، ص 2783؛ معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، ج 3، ص 280.
- [10] مسلم، صحیح مسلم، باب ایمان حدیث 316، موقع الإسلام، <http://www.al-islam.com> (المکتبة الشاملة).
- [11] سوره اعراف، آیه 143.
- [12] ابن ابی حاتم عبدالرحمن بن محمد ، تفسیر القرآن العظیم، ج 5، ص 1559، تفسیر القرآن العظیم، تحقیق اسعد محمد الطیب، ناشر مکتبة نزار مصطفى الباز، عربستان، سال 1419 ق، چاپ سوم.
- [13] در این صورت معنای استقلالی ندارد بلکه صرفا برای ربط بین کلمات از آن استفاده می شود.
- [14] در این صورت جمعش آلاء می باشد، 34 مورد در قرآن آمده که 31 مورد آن به صورت "فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ"؛ "پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟" آمده است.
- [15] نه حرف "إلى" به معنای "به سوی" .
- [16] قیامت، 22 و 23.
- [17] ابن کثیر دمشقی، تفسیر القرآن العظیم، ج 8، ص 287 و 288، تفسیر القرآن العظیم، دار الکتب العلمیة، بیروت، 1419 هـ ق. .
- [18] قیامت، 22 و 23.
- [19] صدوق، عیون أخبارالرضا (ع)، ج 1، ص 114، انتشارات جهان، سال 1378 هـ ق .
- [20] طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، موسوی، محمد باقر ، ج 20، ص 178 دفتر انتشارات اسلامی، قم، سال

1374 هـ ش، چاپ پنجم.

[21] مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج 5، ص 381، دار الکتب الإسلامية، تهران، سال 1374 هـ ش، چاپ اول.

[22] همان، ج 6، ص 360.